###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**تاریخ مطبوعات در ایران**

**استاد راهنما:**

**دانشجو:**

**فهرست مطالب**

فصل اول: زمينه هاي ظهور مطبوعات

فصل دوم: پيدايش روزنامه

الف-ظهور روزنامه در جهان

ب-ظهور روزنامه در ايران

1)روزنامه نگاري در ايران باستان

2)ظهور اولين روزنامه نوين در ايران

3)ظهور روزنامه هاي ديگر

4)گسترش مطبوعات دولتي

5)انتشار روزنامه هاي فارسي در خارج

6)نقش مطبوعات در لغو انحصار توتون و تنباكو

7)تاريخ ايجاد مطبوعات در شهرهاي ايران

8)ظهور روزنامه هاي تخصصي

9)ظهور اولين روزنامه يوميه و اولين مجله

فصل سوم: مطبوعات در دوران مشروطيت

الف- مطبوعات و دوره اول انقلاب مشروطه

ب-مطبوعات دوره اول انقلاب

ج-مطبوعات و دوره دوم انقلاب مشروطه

د-وضع مطبوعات در دوره استبداد صغير

ذ-اولين قانون مطبوعات

س-تاسيس وزارت مطبوعات

ش-تاريخ سانسور در مطبوعات فارسي

هـ-مطبوعات و روزنامه نگاري زنان

و-انقلاب مشروطه و روزنامه نگاري فكاهي

ي-وضعيت مطبوعات در اواخر دوران قاجار

فصل چهارم- مطبوعات دوران پهلوي

الف- دوره پهلوي اول

1)مطبوعات پس از كودتاي 1299

2)مطبوعات دوره رضا شاه

3)سانسور در دوره رضاشاه

4)قانون مطبوعات در دوره رضا شاه

ب-دوره پهلوي دوم

1)وضعيت مطبوعات در اين دوره

2)قانون مطبوعات در دوره محمد رضا شاه

3)اقدامات كنترلي بر مطبوعات

4)اوضاع مطبوعات بعد از كودتاي 28 مرداد 1332

5)ويژگي مطبوعات از كودتاي 28 مرداد 1332 تا 1357

6)تحولات نو ظهور ارتباطات در اين دوره

7)نشريات نيمه دوم دوره محمد رضا شاه

فصل پنجم: تحولات مطبوعات پس از انقلاب اسلامي

الف- مطبوعات دوره پيروزي انقلاب اسلامي

1)چهارمين قانون مطبوعات ايران

2)ويژگي هاي مطبوعات در اين دوره (1359-1357)

ب-مطبوعات دوره جنگ ايران و عراق (1367-1359)

-پنجمين قانون مطبوعات ايران

ج-مطبوعات دوره بازسازي اقتصادي (1376-1368)

د-مطبوعات در دوره پس از خرداد ماه 1376

1)قانون فعلي مطبوعات

2)ويژگي هاي مطبوعات در اين دوره (1379-1376)

3)وضعيت فعلي نشريات

**پيشگفتار**

وقتي كه تاريخ را ورق مي زنيم با دوران هايي برخورد مي كنيم كه نقاط عطفي در تاريخ زندگاني بشر محسوب ميشوند و به عنوان منشا تحولات عظيم فرهنگي قرار مي گيرند. پيدايش مطبوعات در زمره اين دوران ها ميباشد.

انديشه مندان علوم ارتباطات، تاريخ تمدن بشري را از تاريخ روزنامه نگاري و ارتباطات اجتماعي جدا نمي دانند. تاريخ تمدن از ديدگاه پروفسور مولانا، همانا تاريخ مسير افكار و عقايد بشر است و تاريخ روزنامه نگاري نيز انتشار و نفوذ آگاهي هاي فكري به شمار ميرود، چرا كه از طريق وسايل ارتباط جمعي بوده كه بشر متمدن توانسته است انديشه هاي برآمده از تفسير و تعبير خود را از محيط پيراموني به اعضاي مختلف جامعه انساني منتقل كند و جامعه بشري را به پيشرفت هاي فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي، سياسي برساند. اين امر را مي توان به راحتي با مطالعه تاريخ بشري دريافت و مشاهده كرد كه چگونه رشد مطبوعات در افزايش آگاهي مردم از مسايل پيراموني خويش تاثير گذار بوده و تحولات شگرفي را رقم زده است.

با اين حال بايد اذعان نمود كه تحولات اجتماعي و اقتصادي قرن هجدهم و نوزدهم در تكامل و پيشرفت مطبوعات بسيار اثر گذار بوده است. رويدادهاي اين قرون به شكلي اجتناب ناپذير، بستر رشد مطبوعات را فراهم آورده است. انقلاب كبير فرانسه مطبوعات را در مبارزه عليه استبداد و كسب آزادي به صورت يك سلاح مهم سياسي درآورد و اين امر موجب گشت تا در رژيم هاي دموكراسي آزادي گرا، به مطبوعات در كنار اركان سه گانه مقننه قضائيه و مجريه، عنوان ركن چهارم دموكراسي داده شود. رواج مطبوعات مسلكي در اواخر قرن هجدهم و اوايل قرن نوزدهم، نشانه نقش ويژه آنها در مبارزات سياسي اين دوره است.

در اين برهه از زمان، به سبب توسعه مدارس و دادن حق راي در انتخابات به مردم، مطبوعات فعاليت وسيع تري پيدا كردند. و از جانب ديگر توسعه صنعتي كشورهاي غربي باعث افزايش جمعيت شهرها و دگرگوني وضع اجتماعي گرديد. عواملي همچون افزايش فعاليت هاي صنعتي، مهاجرت توده اي روستائيان به شهرها موجب گشت تا پيوند اجتماعي افراد در اين جوامع بزرگ بر خلاف پيوند لفظي مستقيم در جوامع كوچك و فشرده به صورت پيوند و ارتباطات ثانويه درآيد. پيوندي كه براي انجام آن، ظهور پديده اي را به نام مطبوعات و وسايل ارتباط جمعي مي طلبيد كه البته اين طرز زندگي و اين نوع روحيه با نتايج اجتماعي زيد و رو كننده خود، در سرنوشت مطبوعات نيز تاثير قاطع گذاشت. در واقع مطبوعات به عامل اصلي ارتباط اجتماعي تبديل گرديد. در چنين جوامع گسترده اي، مطبوعات وظيفه يافتند كه به عنوان مهمترين وسيله ارتباطي به زبان همه مردم تبديل شوند، افراد پراكنده را آگاه سازند و بين آنها پيوند ايجاد كنند و در مجموع همان نقش را كه بيان شفاهي در روابط مستقيم انساني بازي ميكند، بر عهده بگيرند.

با گذشت زمان و با مشاهده نقش مطبوعات در زمينه هاي مختلف اجتماعي، ديگر جوامع نيز به اين پديده ظهور روي آوردند. در اين ميان بي شك ايران زمين نيز نمي توانست نسبت به اين امر بي اعتنا بماند. يادآوري اين مطلب لازم است كه هر يك از كشورها در زماني اقدام به استفاده از مطبوعات نمودند كه به ظرفيت و آمادگي براي پذيرش اين تكنولوژي ارتباطي رسيدند. كشور ايران نيز به مثابه بخشي از جامعه جهاني كه نمي توانست از پذيرش اين فن آوري بي نصيب بماند در برهه اي از زمان شروع به بهره برداري از مطبوعات نمود و نقش آن را در بسياري از وقايع و حوادث تاريخي همچون نهضت مشروطه مشاهده كرد. اين مجموعه به آن است تا نحوه ورود ايران به قافله تمدن، شيوه بهره گيري از مطبوعات و نيز سير تحول مطبوعات را در دوره هاي مختلف تاريخي به اجمال بازگو و بررسي نمايد.

**فصل اول: زمينه هاي ظهور مطبوعات**

پيش از آغاز بحث پيرامون تاريخ مطبوعات، بررسي تحول دو عامل مهم كه در پيدايش مطبوعات نقش بسزايي داشته اند (تهيه كاغذ و صنعت چاپ)، ضروري به نظر ميرسد.

تهيه كاغذ اولين تحول بزرگ در توسعه ارتباطات اجتماعي و سرفصل صنعت چاپ و روزنامه نگاري محسوب ميشود. هر چند پيش از پيدايش كاغذ، بشر از همان ابتداي اختراع به منظور انتقال دانش و مكتوبات ارزشمند خود، از پوست حيوانات، برگ درختان و كتيبه هاي سنگي سود مي برده است؛ ليكن اختراع كاغذ بود كه ابزار نويني را براي توسعه اطلاعات و اخبار در سراسر جهان در اختيار گذاشت و كشورهايي كه به اين صنعت جديد دست يافتند توانستند آثار علمي و اجتماعي خود را به طور منظم و آسان و در گستره اي وسيع بين جوامع انتشار دهند.

مورخان بر اين اعتقادند كه در سال 105 ميلادي صنعت توليد كاغذ در چين اختراع شد. و در قرن بعد به ساير نقاط آسيا و اروپا راه پيدا كرد. در حدود سال 750 ميلادي در سمرقند و در حدود سال 900 ميلادي در بغداد كاغذ ساخته شد. ولي در اروپا اولين بار اسپانيايي ها و ايتاليايي ها در اوايل قرن دوازدهم ميلادي به تهيه كاغذ پرداختند.[[1]](#footnote-1) نكته جالب در اينجاست كه صنعت كاغذ سازي موقعي در سمرقند رواج يافت كه ايراني ها به كمك خاندان عباسي، حكومت بني اميه را سرنگون ساختند و نفوذ خويش را در عرصه هاي سياسي، اقتصادي و اجتماعي در تمدن اسلام توسعه دادند. در حقيقت نفوذ ادبي و سياسي ايراني ها از آغاز خلافت عباسي (750 ميلادي) با توسعه صنعت كاغذ سازي، انقلاب فرهنگي بزرگي در خاورميانه به وجود آورد و توسعه تمدن ايران و اسلام در قرون بعدي مرهون اين آميزش تاريخي است.[[2]](#footnote-2) صنعت كاغذ سازي كه در اين دوره منحصر به ايران و اعراب بود موجب شد آثار علمي و فلسفي و ادبي ايرانيان و دنياي اسلام توسعه يافته و راه خود را به اروپا و كشورهاي اروپايي بگشايد.

با توليد كاغذ، صنعت كتاب سازي در ايران رواج يافت و ايرانيان توانستند از اين طريق قسمت مهمي از آثار ادبي و هنري ايران را در خاورميانه، آفريقا و اروپا منتشر كنند و تغييرات مهمي در گسترش عقايد سياسي و اجتماعي طبقات مختلف آن زمان به وجود آورند.

در حالي كه شناخت و توسعه فن كاغذ سازي در ايران به سرعت انجام شد، صنعت چاپ در ايران به كندي راه پيدا كرد. فن كاغذ سازي از طرف شرق آسيا به ايران آمد ولي معرفي فن چاپ در ايران محصول تمدن غرب و اروپا بود. در سال 1639 ميلادي، يعني 190 سال بعد از آنكه گوتنبرگ در آلمان ماشين چاپ حروف متحرك را اختراع كرد، اولين ماشين چاپ وارد ايران شد و در جلفاي اصفهان نصب گرديد.[[3]](#footnote-3) در اين مورد، انديشه مند ديگري معتقد است كه صنعتگران اصفهاني،‌بدون آنكه ماشين چاپ را ديده يا نقشه هاي آن را در دست داشته باشند، صرفاً بر اساس توصيفي كه از نحوه چاپ ماشين هاي گوتنبرگ شنيده اند، دوباره ماشين چاپ را با حروف مجزا اختراع كردند.[[4]](#footnote-4) به هر صورت، واقعيت هر چه كه بوده، قطعات اين ماشين در جلفاي اصفهان به يكديگر متصل شد و اولين اثر خود را به صورت كتابي مذهبي چاپ كرد.

برقراري ماشين چاپ از كارهاي درخشان دوره سلطنت شاه عباس كبير به شمار ميرود چرا كه محيط مناسبي در اصفهان ايجاد كرد و ادامه آن ناحيه را تشويق كرد كه به هنر، اقتصاد و شهرنشيني پايتخت و نواحي آن كمك كند.[[5]](#footnote-5)

در سال 1670 دومين ماشين چاپ توسط گروه ارامنه وارد جلفا شد و شروع به كار كرد. در اواخر سلطنت صفويه و سالهاي بعد در زمان نادرشاه تا آغاز سلسله قاجاريه چندين ماشين چاپ كوچك ديگر توسط ميسيون هاي مذهبي و اروپايي ها در نقاط مختلف ايران و مخصوصاً سواحل جنوب خليج فارس داير شد ول عمر آنها كوتاه بود و به علت اختلالات داخلي و جريانات سياسي و مذهبي كه اغلب با اغتشاشات و تشنجات موجود در استان هاي مختلف همراه بود، رنسانس سياسي و اقتصادي كه با تشكيل حكومت صفوي به مدت دويست سال در ايران رواج پيدا كرد نتوانست به طور كامل ادامه پيدا كند. با خاتمه حكومت صفوي، رابطه ايران با غرب توسعه نيافت و ظهور نادر شاه دولتي بود كه سياست قرن هجدهم ايران را متوجه امور داخلي و جنگ هاي مداوم با همسايگان شرقي و غربي ساخت و نوآوري هاي نادرشاه، با زوال او از ميان رفت. و توجه ايرانيان به صنعت و علوم اروپا در اين مدت، چندان رونق نيافت.

1. -معتمد نژاد، كاظم (1371) وسايل ارتباط جمعي. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبايي، ص78 [↑](#footnote-ref-1)
2. -مولانا، حميد (1358)، سير ارتباطات اجتماعي در ايران. تهران: انتشارات دانشكده علوم ارتباطات اجتماعي، ص20 [↑](#footnote-ref-2)
3. -مولانا، حميد، همان، ص28 [↑](#footnote-ref-3)
4. -محسنيان راد، مهدي (1384). ايران در چهار كهكشان ارتباطي (جلد دوم). تهران: سروش. ص829 [↑](#footnote-ref-4)
5. -مولانا، همان، ص29 [↑](#footnote-ref-5)